

## اصول و روش های مدیریت خشم در بوستان سعدی: دلالت هایی برای

### مدیران آموزشی

لیلا خواجه پور<sup>۱</sup>، علی رضا یوسفی<sup>۲\*</sup>، نرگس کشتی آرای<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۹۷/۶/۱۴ صص ۲۴۶-۲۰۹ تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۲/۲۰

### چکیده

خشم با عواقب مخرب همراه است و بدین دلیل مورد توجه روان‌شناسان، اندیشمندان اخلاق و تعلیم و تربیت است و هر یک از آنان به نحوی راهکارهای مدیریتی آن را مورد مطالعه قرار داده‌اند. سعدی از بزرگ‌ترین ادیبان جهان است که عنایت ویژه‌ای به مسائل اخلاقی، عاطفی و تربیتی داشته است و استخراج نکات نهفته آثار او رسالتی بالقوه است. هدف اصلی این پژوهش شناسایی، استخراج اصول و روش‌های «مدیریت خشم» در بوستان سعدی و کاربرد آن برای مدیران آموزشی است. پژوهش حاضر با روش تحلیل مفهوم انجام گرفت است. حوزه پژوهش در این مطالعه بوستان سعدی است و نمونه با استفاده از روش نمونه‌گیری نظری انتخاب شد. فهرست کدگذاری مفاهیم به‌دست‌آمده از مدیریت خشم در دیدگاه سعدی نشان داد که ۱- مدیریت خشم شامل چهار اصل نیک‌نگرانه، فروتنانه، جوانمردانه و آسان‌گیری است ۲- روش‌های نیک‌نگرانه شامل: تعقل در عمل، رعایت آداب‌سخن، مصلحت‌اندیشی، عاقبت‌اندیشی، روش‌های فروتنانه شامل: تواضع‌داشتن و انتقاد پذیر بودن، روش‌های جوانمردانه شامل: نکویی‌بابدان، ایثار و گذشت، داشتن انصاف، همدلی‌کردن، روش‌های آسان‌گیری شامل: تحمل و بردباری، نوع‌دوستی، بخشش، مدارا، صلح‌طلبی و نرم‌خوبی است. خشم و مدیریت آن از منظر سعدی ضمن آموزش مفاهیم اخلاقی و عواطف عالی‌ه بشری به‌کاربرده شده و مقوله‌های به‌دست‌آمده این پژوهش می‌تواند الگوی عمل مدیران آموزشی و برنامه‌ریزان درسی باشد.

**کلید واژه‌ها:** مدیریت خشم، بوستان سعدی، تحلیل مفهوم، اخلاق، عاطفه، مدیران آموزشی

۱ - دانشجوی دکترای فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران

۲ - استاد گروه آموزش پزشکی، مرکز تحقیقات آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

\* نویسنده مسئول: [ar.yousefi@gmail.com](mailto:ar.yousefi@gmail.com)

۳ - دانشیار گروه تعلیم و تربیت دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران

## مقدمه

خشم از مهم‌ترین هیجانات انسان‌هاست و در علوم مختلف از جمله روانشناسی، فلسفه و اخلاق تعاریف گوناگونی از آن شده است که، برای دست‌یابی به تعریفی نسبتاً جامع و مانع، می‌توان گفت: «خشم یک واکنش هیجانی نسبتاً قوی است که در انواعی از موقعیت‌های (حقیقی و یا خیالی) همانند به بند کشیده شدن، مداخله بی‌مورد دیگران، ربه‌ده شدن متعلقات و مورد تهدید یا حمله واقع شدن ظاهر می‌گردد و با برانگیختگی فیزیولوژیک و افکار ستیزجویانه همراه است (Anil, 2004, p22). در به وجود آمدن خشم علل برانگیزاننده متعددی وجود دارند از جمله؛ علل شناختی که شامل خطاهای شناختی و افکار معیوب است، علل روانشناختی؛ مانند اضطراب، احساس حقارت و عوامل شخصیتی و همچنین علل اجتماعی، اقتصادی را می‌توان نام برد. در علم اخلاق و متون اسلامی به علل و عوامل اخلاقی، از جمله خودخواهی، حسد، مکر، حرص و طمع اشاره شده است (Shokouhi & Yekta, 2009, p49).

خشم به دلیل ایجاد احساسات منفی و ناخوشایند در دسته هیجانات منفی قرار می‌گیرد؛ ولی با این حال، به عنوان یکی از احساسات و رفتارهای ضروری در انسان به شمار آمده و با مدیریت صحیح می‌تواند نقش سازنده‌ای در حفظ زندگی و روابط اجتماعی وی ایفا کند و در صورت عدم کنترل و مدیریت صحیح نیز می‌تواند زمینه‌ساز بسیاری از مشکلات فردی و اجتماعی باشد. مدیریت عواطف (هوش هیجانی)<sup>۱</sup> اولین بار در سال ۱۹۹۰ توسط مایر و سالوی مطرح شد و در سال ۱۹۹۵ توسط گلمن<sup>۲</sup> به عنوان یک مفهوم معرفی شد. این مفهوم شامل مجموعه‌ای از مهارت‌ها است که شامل: شناسایی، استفاده، درک و تنظیم احساسات و هیجانات است (Golman, 2006).

مدیریت عواطف از عناصر مهم آموزشی و مولفه‌های مطرح در مدیریت آموزشی است. این مهارت کمک بسیاری به مدیران مراکز آموزشی می‌کند چرا که مدیران آموزشی بیشترین وقت خود را صرف برقراری ارتباط می‌کند، بنابراین شناسایی مهارت‌های ارتباطی، بهبود و توسعه آن در خود و زیرمجموعه‌شان، از ضروریات سازمان‌های آموزشی موفق به شمار می‌رود (Jokar and Haghan, 2011, p1154). مشاهده مدارس از نزدیک و پژوهش‌های محدودی (از جمله Bazargan, Goodarzi, 2000) نمایان‌گر این واقعیت است که بسیاری از بزرگسالان (مدیران، معاونان و معلمان) در مقابل تخلفات دانش‌آموزان رفتارهای خشونت

<sup>1</sup> - Emotional Intelligence

<sup>2</sup> - Goleman

آمیز از خود نشان می دهند (Bazargan, Sadeghi, Lavasani, 2003) و خشم مشخصه زندگی روزانه در مدارس است (Blum: 2005).

آموزش مدیریت خشم یک مداخله روانی - تربیتی سازمان یافته است که به منظور افزایش مهارت های مدیریت خشم و کاهش آسیب پذیری انجام می شود. مدیریت خشم به معنای داشتن مهارت های خاص است که احساس های هیجانی و برانگیختگی فیزیولوژیکی ناشی از خشم را کنترل می کند (American psychological Association, 2004). اگر چه خشم می تواند به روش های مختلفی مدیریت و درمان شود اما نکته بسیار مهم در این خصوص آن است که برای آموزش این مهارت ها توجه به ارزش های جامعه نقش اساسی را ایفا می کند.

جامعه ی ما، دارای باورها و اعتقادات عمیق دینی و اسلامی است و بسیاری از مردم، رفتارهای خود را با توجه به این باورها و اعتقادات تنظیم کرده اند. از سرمایه های جاودانی و افتخارآمیز ما ایرانیان سروده های شاعران و سخنوران و عارفان ایرانی مسلمان است و راز ماندگاری نام بسیاری از این بزرگان، استفاده از کلام الهی و ائمه هدی در سروده ها و نوشته هایشان است. ادبیات منظوم فارسی، سرشار از نمونه هایی است که مضامین احساسی، تعلیمی و اخلاقی ناب دارد که بررسی و انتقال آموزه های آن به مخاطبان در جهت تعادل و سلامت روان افراد امری ضروری است.

شیخ مصلح الدین مشرف الدین سعدی شیرازی، از بزرگ ترین دانشمندان و ادیبان مسلمان ایرانی است که تعالیم اخلاقی، تربیتی و اجتماعی خود را با توجه و در باره حکمت اسلامی بیان می کند. آثار وی سرشار از نکته های پند آموز است که تطبیق و بررسی آن ها با یافته های جدید در حوزه روانشناسی و تربیتی، ارزش آن را بر همگان آشکار می سازد. این نکته ها شامل مهارت هایی است که برای مدیریت عواطف بشری به کار می رود (Mohammadi & Khadem, 2017, p91). خشم از پربسامدترین هیجان هایی است که سعدی در بوستان به آن پرداخته است و به شیوه های گوناگون، در حکایت هایی متنوع، انسان را به خویشتن داری و مقابله با این هیجان ناپسند دعوت می کند.

### پیشینه پژوهش

علیرغم پیشینه ی غنی ادبیات منظوم کشور ما و با توجه به این که عاطفه اصلی ترین عنصر و زمینه درونی و معنوی شعر است و می تواند بیشترین تأثیرات را بر مخاطب داشته باشد و در مباحث آموزش مدیریت عواطف از آن بیشترین بهره را جست، پیشینه تحقیقات نشان می دهد که در پژوهش های اندکی به موضوعات مربوط به بررسی مدیریت عواطف به

طور عام و مدیریت خشم به طور خاص در آثار سعدی پرداخته شده است. به عنوان نمونه پژوهش‌هایی مانند (Nowroozi Davoodkhani, 2016) به بررسی رویکرد سعدی در رهایی از درد ورنج، پژوهش (Khanian, 2010) به بررسی بیان سعدی در برخورد با افسردگی و پژوهش (Soltani & Sadeghi, 2011) به تصویربرداری عاطفی (خشم و ترس) در بوستان سعدی با تکیه بر مباحث روانشناسی بر اساس گزینش یک حکایت از بوستان به تطبیق راهکارهای مدیریت خشم از نظر سعدی و دانیل گلنم پرداخته شده است که شباهت این پژوهش با پژوهش حاضر در بررسی هیجان خشم است و مهم‌ترین تفاوت این دو مقاله در روش پژوهشی آن‌ها و تحلیل تمام ابیات مربوط به خشم در بوستان و استخراج دلالت‌های تربیتی آن برای مدیران آموزشی است و موضوع و روش پژوهش مقاله اخیر مسبوق به سابقه نیست.

با توجه به این که مدیریت خشم از مباحثی است که مدت‌هاست در حوزه روانشناسی و دیگر حوزه‌های مختلف مطرح شده است و آموزش کنترل آن می‌تواند بسیاری از ناهنجاری‌ها و اتفاقات شوم جامعه را کاهش دهد (Ghahari: 2015) و با نظر به جایگاه اندک استفاده از شاهکارهای ادبی و هنری در ملاحظات مدیریتی و برنامه‌ریزان درسی لازم است برای ایجاد مهارت‌ها و توانایی‌های عاطفی، روانی و اجتماعی افراد مقدمات ورود آن را به نظام تعلیم و تربیت رسمی فراهم ساخت و در این باره می‌توان به تبیین تربیت عاطفه‌های گوناگون از دیدگاه اندیشمندان، نویسندگان و شاعران کشورمان و طرح دلالت‌های تربیتی براساس آن به عنوان یکی از زمینه‌ها و ابعادی که در تعلیم و تربیت از جایگاه خاصی برخوردار است بیش‌تر پرداخت.

بر این اساس این پژوهش تلاش دارد مفهوم «مدیریت خشم» در بوستان را تصریح، صورت‌بندی و دلالت‌های آن را برای مدیران آموزشی ارائه کند لازم به ذکر است که ارائه ادبی و هنرمندانه سعدی در بیان این مسائل و پندها، علاوه بر این که باعث نفوذ کلام روی مخاطب می‌شود، سبب ایجاد دیدگاه و رویکردهای جدید از مفاهیم برای متخصصان حوزه‌های مختلف اخلاق، تربیت، روانشناسی و مدیریت آموزشی می‌شود.

### روش پژوهش

روش پژوهش حاضر، تحلیل مفهوم<sup>۱</sup> است. این روش، فعالیتی پژوهشی است که کاربرد کلمات را به منزله اساس تحلیل، مورد استفاده قرار می‌دهد. این شیوه با آشکار ساختن معنای کلمات و جملات باعث کشف اهداف نهفته، روشنی‌سازی و وضوح مفاهیم می‌شود و

<sup>۱</sup> - Concept Analyze

در نهایت زمینه حل مسائل را در حوزه های گوناگون فراهم می کند. رویکرد تحلیل مفهوم دارای فنون مختلفی از جمله: بررسی بافت یا سیاق مفهوم، بررسی مترادف کلمات یا عبارات، تحلیل بر حسب مفهوم متضاد و تحلیل بر حسب شبکه معنایی است. (Bagheri, & et al, 2010, p 162-172).

پژوهشگر با بهره گیری از این روش قصد دارد «مدیریت خشم» را با توجه به ابیاتی که در بوستان سعدی شیرازی بیان شده است تحلیل نماید و در نهایت برای تحلیل و تفسیر یافته های این پژوهش به کدگذاری و مقوله بندی موضوعی پرداخته است تا معلوم شود که چه معنایی از این مفهوم مدنظر سعدی بوده است و چه اصول و روش هایی را با توجه به این مفاهیم می توان استنباط کرد.

«مدیریت خشم» در این مقاله از جنبه «بافت مفهوم» مورد مطالعه قرار گرفته است.

مراحلی که در خصوص یافته های این پژوهش صورت گرفت به شرح زیر است:

- شناسایی، جمع آوری، ثبت مضامین و ابیاتی مرتبط با موضوع (جمع آوری داده ها)
- سپس تقلیل داده ها به مفاهیم کلیدی مستتر در مضامین و ابیات.
- دسته بندی مفاهیم مستتر بر اساس شباهت محتوایی مطالب و عنوان دهی به هر مقوله و تقسیم هر مقوله به خرده مقوله ها.
- استخراج مفاهیم (مقوله های به دست آمده) به عنوان یافته های نهایی تحقیق و نتیجه گیری.

### مدیریت خشم در دیدگاه سعدی

عواطف انسانی، همدلی، محبت و پیوستگی افراد مردم به صور گوناگون در بوستان جلوه گراست و سعدی با بیان این عواطف سعی در تغییر رفتار، تعالی روحی و روانی افراد مختلف جامعه را داشته است. "وی در بوستان کوشیده است تصویری از مدینه ای فاضله یا آرمان شهری بر اساس ارزش های فرهنگ ایران و البته با عنایت به آیین مقدس اسلام، طراحی کند. همان گونه که مبنای عمل در اسلام برای کنترل خشم کظم غیظ است، مدارا و مهربانی مبنای عمل سعدی در مواجهه با خشم است و همگان را در عمل به آن توصیه می کند.

عدو را بجای خسک زر بریز      که احسان کند کند، دندان تیز  
(Saadi, 2013, 73)

بخش ای پسر کادمی زاده صید      به احسان توان کرد و، وحشی به قید  
(Saadi, 2013, 87)

کرم کن، نه پرخاش و کین آوری      که عالم به زیر ننگین آوری  
چو کاری برآید به لطف و خوشی      چه حاجت به تندی و گردنکشی  
(Saadi,2013,78)

همچنین به مثابه دیدگاه اسلام، توصیه به اعتدال گرایی و اجتناب از افراط و تفریط از مفاهیم اصلی در آثار و اندیشه سعدی است و این اندیشه کم و بیش، بر همه جنبه های تفکر سعدی و از جمله در زمینه گزینش بین رحمت و خشونت غالب است. سعدی به اعتدال در رفتار و انجام هرکار به جای و موقع خود تاکید می کند. داشتن خشم حکیمانه یا به قول شیخ شیراز (خشم پدروار) در هنگام ظهور خشم از نظر سعدی بسیار مهم است زیرا نرمی بیش از حد موجب گستاخی و آزار زیاد از حد نیز تنفر و دلزدگی را در فرد ایجاد می کند. بنا به آموزه های سعدی رعایت انصاف و میانه روی در خشم برای برخورد مناسب با این هیجان ضروری است.

به فرمانبران بر، شه دادگر      پدروار خشم آورد بر پسر  
گهش میزند تا شود دردناک      گهی می کند آتش از دیده پاک  
چو نرمی کنی خصم گردد دلیر      وگر خشم گیری شوند از تو سیر  
درستی و نرمی به هم در به است      چو رگزن که جراح و مرهم نه است  
و در معدود مواردی، توصیه به داشتن شدت عمل در خصوص مواجهه با خشم گرفتن را دارد و مجوز آن را صادر می کند.

اگر دشمنی پیش گیرد ستیز      به شمشیر تدبیر خونش بریز  
(Saadi,2013,76)

چو گرگ خبیث آمدت در کمند      بکش ورنه دل بر کن از گوسفند  
بد اندیش را جاه و فرصت مده      عدو در چه و دیو در شیشه به  
مگو شاید این مار کشتن به چوب      چو سر زیر سنگ تو دارد بکوب  
(Saadi,2013,98)

و در ضرورت خشم گرفتن بر علیه افرادی که ذاتا شرور و بد اندیش هستند تردید روا نمی دارد (Khajepour,2016,p116). نظر او در این مقوله نیز با در نظرگرفتن خشم مقدس در اسلام هم پوشی و مطابقت دارد.

در ادامه، بررسی و استخراج اصول و روش مدیریت خشم در بوستان سعدی همراه با پرداختن به روش پژوهش انجام می گیرد و سپس یافته های پژوهش ارائه می شود.

## یافته های پژوهش

یافته های پژوهش بر اساس روش بافت مفهوم در جداول زیر آورده شده است.

## جدول ۱- شناسایی، جمع آوری، ثبت مضامین و ابیاتی مرتبط با موضوع (جمع آوری داده ها)

– تقلیل داده ها به مفاهیم کلیدی مستتر در مضامین و ابیات.

اشعار و جملات استخراج شده	تفسیر اشعار	مفاهیم مستتر
در باب اول بوستان، سعدی داستان مردی را بیان کرده است که به دلیل حسن گفتار مورد توجه شاه قرار می گیرد. ملک او را اکرام کرده و بر وزیر برترش داشته و وزارت را بدو می سپارد، وزیر قدیم بر منزلت او حسادت کرده وی را متهم به خیانت می کند. سعدی در ابیات بعد نشان می دهد که ملک چگونه کنترل خشم می کند و فقط به شنیده هایش از وزیر کهن، اکتفا نمی کند و خودش مخفیانه در این باره تحقیق می کند.	در محکمه مطلوب سعدی مجازات باید با تدبیر و تأمل همراه باشد، زیرا هر گونه تعجیل و شتاب زدگی پشیمانی به دنبال دارد و بهتر است به صحبت مغرضان اعتنائی نکنیم (RahimiBahmaniari,2014,p191).	۱- تأمل و عدم تعجیل در هنگام خشم ۲- گوش ندادن به سخن مغرضان ۳- توجه به عاقبت خشم گرفتن
غضب دست در خون درویش داشت ولیکن سکون دست در پیش داشت که پرورده کشتن نه مردی بود ستم در پی داد، سردی بود میازار پرورده خویش تن چو تیر تو دارد به تیرش مزین به نعمت نیابست پروردنش چو خواهی به بیداد خون خوردنش از او تا هنرها یقینت نشد در ایوان شاهی قریبت نشد	بوستان سعدی انسان را تصفیه می کند، هر جا به نوعی. عواطف انسانی، همدلی، محبت و پیوستگی افراد مردم به صور گوناگون در آن جلوه گر است. در عالم بوستان همه افراد انسان با یکدیگر همدلی و همدردی می ورزند. در حقیقت آن کس که از این فضیلت بی بهره است، شایسته این مدینه فاضله نیست (Yusefi,2014,p24-25).	۴- تحمل و صبوری در هنگام خشم ۵- خویشتن دار بودن در خشم ۶- همدلی با افراد
سردی بود میازار پرورده خویش تن چو تیر تو دارد به تیرش مزین به نعمت نیابست پروردنش چو خواهی به بیداد خون خوردنش از او تا هنرها یقینت نشد در ایوان شاهی قریبت نشد	سعدی، به عقل و خرد در هنگام عصبانیت و خشم توصیه می کند. او معتقد است فردی که از خرد بهره مند باشد، خشم و غضب خود را مهار می کند. سعدی نصیحت می کند که به هنگام عصبانیت سررشته خرد را از دست نده و استوار نگه دار (Khatib Rahbar,1992,108).	۷- خرد را نگه داشتن و عقلانی عمل کردن در خشم ۸- پرهیز از عقوبت سخت دادن در خشم ۹- همدردی با افراد ۱۰- گرایش به تساهل ۱۱- محبت کردن به

افراد خشمگین	<p>خصوص کیفر سخت گنه کار پرهیز دارد (SamieeGilani, 2009, 65).</p>	<p>به گفتار دشمن گزندش مخواه  ملک که خودش به چشم می بیند و بر  بدی وزیری جدید یقین حاصل کرد دوباره  خشمگین شد اما این بار نیز، با حسن تدبیر  به آرامی با وزیر جدید صحبت می کند و  جریان صحبت وزیر قدیم را به او می گوید،  وزیر جدید که مردی جهانپسندیده است و بر  حسادت وزیر کهن واقف است در برابر  سخنان ملک با بیانات خود، از مشکل که با  آن روبروست، رهایی می یابد.</p> <p>وزیری که جاه من آیش بریخت به  فرسنگ باید ز مکرش گریخت</p> <p>ولسیکن نیندیشم از خشم شاه  دلاور بود در سخن بیگناه  اگر محتسب گردد آن را غم است که  سنگ ترازوی بارش کم است</p> <p>اما باز ملک به وزیر جدید می گوید که من  فقط از دشمن نشنیده‌ام بلکه خودم نیز به  چشم دیده‌ام. وزیر جدید که از کرده خویش  آگاه است سعی می کند تا ملک را با خود  واحساساتش همراه کند و او را متقاعد کند.</p> <p>بخندید مرد سخنگوی و گفت  حق است این سخن، حق نشاید نهفت</p> <p>نبینی که درویش بیدستگاه  به حسرت کنند در توانگر نگاه</p> <p>در اینان به حسرت چرا ننگرم که  عمر تلف کرده یسار آورم</p> <p>(Saadi, 2013, 48-50)</p> <p>ملک یا شنیدن سخنان او در ارکان دولت</p>
--------------	---	--



		نگاه می کند و بهتر از این جوابی درخور سؤال خویش نمی یابد. سعدی در نهایت استادی، مهارت همدلی را که میان ملک و وزیر جدید باعث از میان رفتن خشم ملک و منجر به حل مسأله پیش آمده شده است، به زیبایی به تصویر می کشد.
۱۲-شناخت دوست از دشمن ۱۳-تعقل در عمل به هنگام خشم	سعدی در حکایت، فرخ تبار را که بی اندیشه در صدد به تیر خدنگ دوختن گله بان خویش به خیال دشمن است، از زبان گله بان او را به تعقل فرا می خواند (Niazkar,2010).  از نظر سعدی حاکم موفق کسی است که هوشیارانه دوست و دشمن را بشناسد (2014,53 Yusefi)	در حکایت شناخت دوست از دشمن سعدی بیان می کند که شناختن افراد و دوستان و اشتباهی آنان را به جای دشمن انگاشتن چگونه باعث تحریک هیجان خشم و نشان دادن واکنش جنگ و کشتن می شود. در این حکایت پادشاهی که از لشکر جدا مانده وقتی می بیند فردی از دور به سراغ آن می آید گمان می کند که دشمن است و سریع تیر و کمان خود را آماده کشتن فرد می کند و فرد شروع به تمهید شاه می کند و خود را معرفی می کند که از گله بانان خود شاه است و در ملک شاه خدمت می کند. هنگامی که شاه از این موضوع آسوده خاطر می شود و ترس و خشمش کنار می رود گله بان شروع به نصیحت شاه می کند که این از تدبیر و رای شاه دور است که دوست از دشمن را نشناسد و پادشاه را به تعقل در عمل دعوت می کند.  نه تدبیر محمود و رای نکوست که دشمن نداند شهنشه ز دوست (Saadi,2013,53)
۱۴-ترس از عقوبت خداوند ۱۵- فکر کردن به	سعدی در این حکایت بر انتقام الهی از حجاج و ننگ و عقوبتی که به اراده الهی تا قیامت بر او می ماند تاکید می کند تا نشان دهد که سرنوشت و سرگذشت شحنة های مردم آزار و سرگذشت و سرنوشت «حجاج»	سعدی در حکایتی بیدادگری های حجاج بن یوسف را می آورد که به دلیل این که نیک مردی بر وی احترام نمی گذارد دستور به قتلش می دهد. پسر حجاج به وی توصیه بخشش و چشم پوشی از قتل مرد و

<p>عقوبت ظلم</p> <p>۱۶- کنار گذاشتن غرور و کبر</p> <p>۱۷- ترس از عاقبت ظلم</p> <p>۱۸- غرور و تکبر نداشتن</p> <p>۱۹- حمایت از مظلوم</p> <p>۲۰- ترس از آه مظلوم</p>	<p>ها یکی است که به هر حال، یا مردم خود انتقام می گیرند، یا خداوند دادگر داد آنان را از بیدادگر می ستاند (Dadbeh, 2013).</p> <p>روشن ترین خطوط فکری سعدی حمایت از مظلوم، نصیحت به ملوک، انذار صاحبان قدرت و پایین آوردن آن ها از تخت غرور و کبر است (Dashti, 2002, 288).</p>	<p>دلسوزی در حق فرزندان نیک مرد را می کند</p> <p>بزرگی و عفو و کرم پیشه کن ز خردان اطفالش اندیشه کن</p> <p>اما حجاج چنان مست و سرمست غرور است که پند فرزند خود را نیز نمی پذیرد و او را می کشد.</p> <p>شنیدم که نشنید و خونش بریخت ز فرمان داور که دانند گریخت؟</p> <p>بزرگی در آن فکرت آن شب بخت به خواب اندرش دید و پرسید و گفت</p> <p>دمی بیش بر من سیاست نراند عقوبت بر او تا قیامت بماند</p> <p>سعدی بیان می دارد که عقوبت و مجازات نابجای حجاج، دمی و لحظه ای بیش نیست اما عقوبتی که بر حجاج می رود، تا قیامت می باید و مظلوم اگرچه به ظاهر قوت و نیرویی ندارد اما آه دل او که به تعبیر فصیح و زیبای سعدی «دود دل» گفته شده است، کم کم باعث تغییر رفتار مظلومان و رفع ستم می شود.</p> <p>نخفته ست مظلوم از آهش بترس ز دود دل صبحگاهش بترس</p> <p>نترسی که پاک اندرونی شبی برآرد ز سوز جگر یا ربی؟</p> <p>(Saadi, 2013, 63)</p>
---	--	--

<p>۲۱-بخشیدن افراد گناهکار و از گناه شان چشم پوشی کردن</p> <p>۲۲-بخشیدن به امید بخشایش پروردگار</p> <p>۲۳-مدارا و تساهل در خشم</p> <p>۲۴-امیدوار بودن به لطف خداوند</p> <p>۲۵-ترس از خشم و قهر خداوند</p>	<p>گرایش به مدارا و تساهل، به گونه ای آشکار، در توصیه های مؤکد سعدی به گذشت و بخشایش انعکاس یافته است. این توصیه ها که در بخش های مختلف کلیات به تواتر ذکر شده، حاوی چندین پیام و نکته اساسی است که یکی از این نکات اصلی اشاره به بخشاینده بودن خداوند است (Ketabi,2011,173)</p> <p>از نظر سعدی حاکم باید به لطف و بخشایش خداوندی امیدوار و از قهر و خشم خداوند بیمناک باشد. چرا که به امید و لطف خداوند، به خلق لطف و بخشایش دارد و از ترس قهر خداوند به کسی ظلم نمی کند (Yusefi,2014,20).</p>	<p>سعدی در حکایتی نقل می کند که پادشاهی به علت مریضی، از پیشنهاد ندیمش که می گوید در شهر مردی پارسا هست و دعایش زود اجابت می شود استقبال می کند و می خواهد مرد پارسا را ببیند. وقتی مرد پارسا او را می بیند به تندی بر شاه فریاد می زند که ممکن نیست تا دعای من کارساز شود مگر این که بر حال اسیران رحم کنی و گناه آنان را ببخشی تا خدا نیز تو را ببخشد.</p> <p>که حق مهربان است بر دادگر ببخشای و بخشایش حق نگر</p> <p>(Saadi,2013,64)</p> <p>شاه از حرف مرد پارسا خشمگین و خجالت زده می شود، اما صحبت حرف مرد پارسا را حق می داند و دستور می دهد تا زندانیان را آزاد کنند. پارسا شروع به راز و نیاز با خدا در جهت خوب شدن بیماری شاه می کند که ناگاه شاه از دامن بیماری خلاصی می یابد. پیام سعدی آن است که صلح و آشتی با حق و دستیابی به سلامت جسم و روح بدون صلح و آشتی با خلق ممکن نیست، کسی نمی تواند با بندگان خدا بجنگد و اظهار دارد که با خدا در صلح و آشتی است و مورد عنایت و توجه خداوند قرار دارد.</p>
<p>۲۶-پذیرفتن عیوب خود</p> <p>۲۷-انتقاد پذیری</p> <p>۲۸-شنیدن انتقادات</p>	<p>از دیدگاه سعدی شخص عیب جو سبب می شود که ما به عیب های خود بیندیشیم و روش نیک و پسندیده، پیشه نماییم. عیب جو و بداندیش ناخواسته نیک خواه ماست. چون ما را وادار می کند تا عیوب خود</p>	<p>سعدی راهکارهایی را که در کنترل خشم بیان می کند به گونه ای است که هم مواقعی که خود فرد دچار خشم می شود و هم مواقعی که فرد مورد خشم دیگری قرار می گیرد. در باب اول در حکایت پادشاه غور</p>

<p>دشمن بهتر است تا دوست</p> <p>۲۹- ترک عیوب و نواقص خود</p> <p>۳۰- اندیشه کردن در عیوب خود</p>	<p>رابر طرف کنیم (Yusefi,2014,69).</p> <p>سعدی توجه را از شخص انتقادکننده به خودانتقاد هدایت می‌کند و بیان می‌کند که ستم و کار خلاف را ترک کنید که مورد انتقاد واقع نشوید (NasrEsfahani&amp;Agha Hosseini,2011,22)</p>	<p>و روستایی که پادشاه به علت شنیدن سخنان و انتقادات مرد روستایی در حق او خشم می‌گیرد و مرد روستایی در جواب خشم شاه چنین پاسخی می‌دهد و باعث می‌شود که شاه از عقوبت وی دست بکشد:</p> <p>ور ای‌دون که دشخوارت آمد سخن دگر هر چه دشخوارت آید مکن بیاموزی از عاقلان حسن خوی نه چندان که از جاهل عیب جوی</p> <p>ز دشمن شنو سیرت خود که دوست هر آنچ از تو آید به چشمش نکوست</p> <p>(Saadi,2013,69)</p> <p>سعدی می‌گوید اگر نكوهش من بر تو سخت آمد پس کار خلاف مکن. هر گاه ستم کردی توقع مدار که نامت در جهان به نیکی رود. اگر سخن مردم چنین برایت دشوار آمد، دیگر آن را رفتارها را انجام مده. چاره کار برگشتن از ستمگری است نه حمله به انتقاد کننده.</p>
<p>۳۱- آگاهی دادن به دوستان در عیوبشان</p> <p>۳۲- رفع عیوب و نواقص خود</p>	<p>در توصیف این مورد در کتاب نصیحةالملوک سعدی آمده است "دوستدار حقیقی آن است که عیب تو را در روی تو بگوید تا دشخوارت آید و از آن بگردی و از قفای تو بیپوشد تا بدنام نشوی (Saadi,2006,924).</p>	<p>لازم است افراد در برابر هم به مانند آینه عمل کنند و اشکالات یکدیگر را بیان کنند. منتقدین واقعی دوستان صمیمی هستند و نباید از انتقادات آن‌ها ناراحت و خشمگین شد. در این خصوص در باب اول در حکایت مأمون با کنیزک، که کنیزک به دلیل بوی بد دهان از مأمون دوری می‌کند و مأمون با خشم هنگامی که می‌خواهد سر کنیزک را بزند از او علت اجتنابش را می‌پرسد که پاسخ و گفتن مشکل از طرف کنیزک و در نهایت پذیرفتن مشکل از طرف مأمون، باعث از بین رفتن خشم و دوستی بین آنان</p>

		<p>می شود. سعدی در بوستان در خصوص انتقاد پذیرفتن از دوستان واقعی می گوید:</p> <p>به نزد من آن کس نکوخواه تست که گوید فلان خار در راه تست</p> <p>به گمراه گفتن نکو می روی جفائی تمام است و جوری قوی</p> <p>هر آنکه که عیبت نگویند پیش هنردانی از جاهلی عیب خویش</p> <p>(Saadi,2013,70)</p>
<p>۳۳- پرهیز از ظلم و ستم کردن</p> <p>۳۴- ترس از عاقبت ظلم</p> <p>۳۵- پذیرش سخنان درست و حق</p> <p>۳۶- نرنجاندن افراد به خاطر شنیدن سخن حق</p> <p>۳۷- داشتن انصاف</p>	<p>سعدی خود را زبان گویای مظلومان قرار می دهد و با حق گویی و شهادت ادبی که دارد حاکمان را از هر گونه ظلم و ستم و جور بر آنان باز می دارد. از طرفی دیگر خلق را هم از خطر پذیرش ظلم و ستم آگاه می کند. سعدی برای جلوگیری از ظلم شیوه تاثیر گذار و بیدار گر یعنی اندرز و انزار را به کار می بندد (Rahimi Bahmaniari,2014,178).</p> <p>سعدی اعتقاد دارد اگر کسی در راه حق باشد و حق روی پیشه کرده باشد سخن حق را بی پروا بیان می نماید اما سفته به دلیل حرف حق تو را دشمن می داند و این سخنان در او تأثیر نمی کند و از جان و دل می رنجد و ترا نیز می رنجاند (NasrEsfahani&amp;Agha Hosseini,2011,24). در بوستان، انصاف و حق پذیری فضیلتی است گران قدر و ستودنی (Yusefi,2014,22).</p>	<p>سعدی در حکایت درویش صادق و پادشاه از خشم شاه در مورد مرد درویش و به زندان انداختن او به دلیل شنیدن صحبت های درست و به حق مرد درویش و انتقاد ناپذیر بودن شاه روایت می کند که درویش صادق با این که از خشم و ظلم پادشاه باخبر است از گفتن حقیقت عیبی ندارد و به پادشاه یادآور می شود که:</p> <p>چنان زی که ذکرت به تحسین کنند چو مُردی، نه برگور نفرین کنند</p> <p>نباید به رسم بد آیین نهاد که گویند لعنت بر آن، کاین نهاد</p> <p>بفرمود دلتنگ روی از جفا که بیرون کنندش زبان از قفا</p> <p>چنین گفت مرد حقایق شناس کز این هم که گفתי ندارم هراس</p> <p>اگر بینوایی برم ور ستم</p>

		گرم عاقبت خیر باشد چه غم؟  عروسی بود نوبت ماتمت گرت نیکروزی بود خاتمت  (Saadi,2013,71)
۳۸-مدارا با دشمن ۳۹- صلح اندیش بودن ۴۰-جنگ آخرین راه حل ۴۱-با تدبیر عمل کردن در هنگام خشم بر دشمن ۴۲-جلوگیری از جنگ و پیکار تا جای ممکن ۴۳- باز نگه داشتن در صلح ۴۴- از دست ندادن فرصت صلح ۴۵-کوشش در جهت صلح ۴۶-جنگ نکردن با افراد قوی تر از خود ۴۷-جنگ نکردن و مروت با افراد ضعیف تر از خود ۴۸-پذیرفتن صلح در هنگام تقاضای صلح	از دیدگاه سعدی حکمت در مدارا با دشمن و برد با طرفی است که طرفدار صلح باشد. سعدی فقط زمانی جنگ را جایز می داند که هزینه کردن زر و چاره جویی های دیگر فایده ای نداشته باشد(Foroughi,2006,174)  سعدی معتقد است به کار بردن تدبیر سیاسی بر قدرت نمایی رجحان دارد. صلح همواره باید بر جنگ مقدم باشد. در آغاز برای غلبه ی بر دشمن باید از شیوه های دیگر استفاده کرد و زمانی که همه ی کوشش های صلح جویانه بی ثمر ماند، جنگ را می توان آخرین چاره دانست. با این همه سعدی تأکید می ورزد حتی زمانی هم که جنگ آغاز گشت باید در صلح را باز نگاه داشت و هیچ فرصت صلح آمیزی را نباید از دست داد(Mass'e,1985,59).  از نگاه سعدی، باید با تدبیر در حفظ صلح کوشید و آتش جنگ را خاموش ساخت؛ تدبیرهای پیشنهادی سعدی این هاست: ۱- بستن در فتنه ی جنگ با صرف مال و نعمت، به ویژه که دشمن قوی است ۲- دفع دشمن با «تعویذ احسان» ۳- دفع دشمن با احترام: «چو دستی نشاید گزیدن، ببوس». از آنجا که گاه چاره گریها و تدبیرها در امر حفظ صلح کارگر نمی افتد و چاره ای جز جنگ نمی ماند، دست به	سعدی در باب اول بوستان در گفتار تدبیر ملک و لشکر داری توصیه هایی در چگونگی برخورد و رفتار کردن با دشمن دارد  همی تا برآید به تدبیر کار مدارای دشمن به از کارزار  چو نتوان عدو را به قوت شکست به نعمت ببايد در فتنه بست  گر اندیشه باشد ز خصمت گزند به تعویذ احسان زبانش بیند  عدو را بجای خسک زر بریز که احسان گُند گُند ، دندان تیز  چو دستی نشاید گزیدن، ببوس که با غالبان چاره زرق است و لوس  به تدبیر رستم درآید به بند که اسفندیارش نجست از کمند  عدو را به فرصت توان کند پوست پس او را مدارا چنان کن که دوست  سعدی در ادامه همان مبحث بوستان، از دشمن تراشی و جنگ افروزی بر حذر می دارد و بر تبدیل دشمن به دوست حتی اگر ضعیف باشد تأکید می ورزد

<p>دشمن</p> <p>۴۹- پذیرفتن جنگ هنگام پافشاری دشمن بر جنگ</p> <p>۵۰- غافل نبودن از حيله دشمن</p> <p>۵۱- دفع دشمن با احسان</p> <p>۵۲- نکشتن دشمن و اسیران جنگی</p> <p>۵۳- خرد گرایی در هنگام خشم</p> <p>۵۴- خودداری از آزار دشمن</p> <p>۵۵- پرهیز از پرخاشگری</p> <p>۵۶- رعایت جوانمردی و مروت با اسرای دشمن</p>	<p>شمشیر بردن حلال است و دفاع ضرورت می یابد. سعدی خطاب به پادشاه و سپاهیان بر اجرای آیین مردانگی تاکید می ورزد؛ و حمله آوردن به سپاه ضعیف تر را نامردی و نامردمی می شمارد: «نه مردی است بر ناتوان زور کرد». آنجا که راهی جز جنگ نمی ماند و تدبیرها و چاره گریها بی نتیجه می ماند و دست از همه حیلتی در می گسلد، سعدی به دقیق ترین نکته ها و سنجیده ترین راه ها توجه می کند و به پادشاه و به سپاهیان این موارد را می آموزد: ۱- پیشنهاد صلح دشمن را بپذیرند؛ چه این امر بر قدر و هیبت آنان می افزاید اما از مکر او نیز غافل نمانند ۲- با دشمنی که بر جنگ پای می فشارد بجنگند «که با کینه ور مهربانی خطاست» و در برابر خداوند نیز مسوولیت متوجه دشمن است (Dadbeh,2013).</p> <p>به عقیده سعدی، حاکم باید عاقبت اندیش باشد و در هنگام صلح و آرامش به جنگ فکر کند و در همه حال از حيله ی جنگی دشمن غافل نباشد (Rahimi Bahmaniari,2014,199).</p> <p>از نظر سعدی طرفین جنگ در بدترین شرایط نیز نباید روزنه صلح و دوستی را کور کنند. سعدی به جنگ سالاران زمان خود هشدار می دهد که مبادا حتی اسیری را بکشند (Gharaguzloo,2010).</p> <p>تمامی پندها و راهکارهایی که سعدی در لابه لای حکایات بوستان بیان می کند، خود بر مدار خردورزی و اندیشه ورزی ظریف و دقیقی استوار است که برساخته ذهن تعقل</p>	<p>حذر کن ز پیکار کمتر کسی که از قطره سیلاب دیدم بسی</p> <p>مزن تا توانی بر ابرو گره که دشمن اگرچه زبون، دوست به بود دشمنش تازه و دوست ریش کسی کش بود دشمن از دوست بیش</p> <p>سعدی معتقد است با قو پتر از خود نباید جنگید و از مردی به دور می بیند با ضعیف تر از خود جنگیدن.</p> <p>مزن با سپاهی ز خود بیشتر که نتوان زد انگشت با نیشتر و گسر زو تواناتری در نبرد نه مردی است بر ناتوان زور کرد</p> <p>مزن بانگ بر شیرمردان درشت چو با کودکان بر نیایی به مشت در نظر شیخ صلح بر جنگ تقدم دارد و جنگ را وقتی جایز می داند که تدبیر برای صلح کارگر نیست.</p> <p>اگر پیل زوری و گسر شیر چنگ به نزدیک من صلح بهتر که جنگ چو دست از همه حیلتی در گسست حلال است بردن به شمشیر دست با این حال اگر دشمن از در صلح درآمد، مخالفت و لجابت روا نیست؛ چرا که هم از خونریزی و آسیب بیشتر جلوگیری می شود و هم ارزش و شکوه طرف مقابل افزایش می یابد</p>
--	--	--

	<p>گرای اوست(Niazkar,2010,115).</p> <p>سعدی در خودداری از آزار دشمن عاجز، پرهیز از پرخاش را سفارش می کند (Nadoushan &amp; Asgari Rabari,2008,19).</p> <p>سعدی رعایت جوانمردی و مروت را نسبت به اسرا به خصوص در مورد فرماندهان و سرکردگان سپاه دشمن ضروری می داند (Ketabi,2015,54).</p>	<p>اگر صلح خواهد عدو سر مپیچ وگر جنگ جوید عنان بر مپیچ</p> <p>که گروی ببندد در کارزار تو را قدر و هیبت شود یک، هزار</p> <p>در غیر این صورت باید با قدرت تمام به جنگ ادامه داد.</p> <p>ور او پای جنگ آورد در رکاب نخواهد به حشر از تو داور حساب</p> <p>تو هم جنگ را باش چون کینه خاست که با کینه ور مهربانی خطاست</p> <p>چو با سفله گویی به لطف و خوشی فزون گرددش کبر و گردن کشی</p> <p>و باز توصیه می کند که: در حین جنگ نیز اگر مساله با لطف و تدبیر قابل حل است، نباید به کین توزی و پیکار ادامه داد.</p> <p>و گر می برآید به نرمی و هوش به تندی و خشم و درشتی مکوش</p> <p>چو دشمن به عجز اندر آمد ز در نباید که پرخاش جوینی دگر</p> <p>به اعتقاد سعدی، هرگاه دشمن تقاضای صلح و آشتی کرد و امان خواست باید پیشنهادش را پذیرفت؛ اما لازم است هشیار بود و احتیاط کرد.</p> <p>چو زنهار خواهد کرم پیشه کن بیخشای و از مکرش اندیشه کن</p> <p>سعدی در همین باب در خصوص دفع دشمن به رای و تدبیر نیز بیان کرده است</p>
--	--	--



		<p>که:</p> <p>اگر دشمنی پیش گیرد ستیز به شمشیر تدبیر خورش بریز و نیز در خصوص ملامت با دشمن شیخ اجل فرموده است:</p> <p>چو شمشیر پیکار برداشتی نگه دار پنهان ره آشتی دل مرد میدان نهانی بجوی که باشد که در پایت افتد چو گوی اگر خفیه ده دل بدست آوری از آن به که صدره شبیخون بری</p> <p>(Saadi,2013,73-77)</p>
<p>۵۷-احسان و لطف با دشمن</p>	<p>سعدی معتقد است چون دشمن هم دارای معرفت است بنابراین با دیدن لطف و احسان خباثت به خرج نمی دهد (Foroughi,2006,246)</p>	<p>از اعتقادات راسخ سعدی این است که احسان دندان عداوت و دشمنی را کند می کند. سعدی می گوید که احسان و نیکو کاری را وسیله ای قرار بده تا بتوانی دیگران را به بند بکشی و دشمنی آنان را از دلشان بشویی و به دوستی تبدیل کنی.</p> <p>ببخش ای پسر کآدمی زاده صید احسان توان کرد و، وحشی به قید عدو را به الطاف گردن ببند که نتوان بریدن به تیغ این کمند</p> <p>(Saadi,2013,87)</p>
<p>۵۸-داشتن مروت و جوانمردی</p>	<p>سراسر بوستان سعدی از فروغ انسانیت و ایثار و جوانمردی نورانی و دلگشا. در این جا با اشخاصی روبه رو می شویم که</p>	<p>در آثار سعدی با اشخاصی روبه رو می شویم که توانسته اند بر خودخواهی خویش فایق آیند و عجب نیست اگر دختر حاتم</p>

۵۹- ایثار و گذشت	توانسته اند بر خودخواهی خویش فایق آیند و به مطالبی برتر از خود و سود خود بیندیشند. در هر گوشهٔ بوستان اشخاصی مانند دختر حاتم این چنین بزرگوار و جوانمرد وجود دارند (Yusefi,2014,23).	نیز جوانمرد باشد و اهل ایثار و روزی که افراد قبیله اش گرفتار می شود به رهایی خود راضی نگردد و به شمشیرزن می گوید: «مرا نیز با جمله گردن بزن» زیرا: مروت نبینم رهایی ز بند به تنها، و یارانم اندر کمند ازین رو قوم او نیز مورد بخشایش واقع می شوند. (Saadi,2013,90)
۶۰- درک و فهمیدن و همدلی با افراد ۶۱- بخشیدن افرادی پرخاشگر ۶۲- همراهی و همدردی ۶۳- بدی را با نیکی جواب دادن ۶۴- مدارا و نرمی ۶۵- رأفت با دوستان و دشمنان ۶۶- مهربانی با همه کس به جز ظالم ۶۷- بخشیدن اشتباه افراد	از بزرگان ادب فارسی که می توان شواهد بسیار و حتی بیش از دیگر ادبا از "مدارای" او به دست داد سعدی است. او "مدارا" را با تعابیر گوناگونی از جمله تحمل، سهلی، نرمی و .... به کار برده است. (SamieeGilani,2009,72) سعدی سراپا مهر و محبت است و خویش و بیگانه و دوست و دشمن را مورد رأفت و انصاف و مروت می دارد، به راستی انسان دوست و انسانیت پرست است، حس هم دردی او با ابناء نوع بی نهایت است جز به مردم آزار و ظالم با همه کس مهربان است تا آنجا که سزای بدی را هم نیکی می خواهد (Foroughi,2006,5). به کسی که به تو بدی کرده است نیکویی کن و آن کس را که در مورد تو گناهی کرده است ببخش (Yusefi,2014,93).	سعدی در باب دوم بوستان حکایت برخورد کریمانه‌ی سلطانی را ذکر می کند که در رهگذر خود در بیابان بیرمردی را می بیند که به او دشنام های رکیک می دهد، سلطان قبل از آن که ناراحت شود، تعجب می کند که علت چیست؟ وقتی می بیند پای خرش در گل فرو رفته و کار او همزم کشی است به جای خشم گرفتن و یا عمل کردن به پیشنهاد کسانی که می گفتند: او را بکش. اما نه تنها او را می بخشد بلکه به او هدیه نیز می دهد. در این حکایت، درایت حاکم در توجه به علت ناراضی و عدم توجه به قضاوت های نادرست به خوبی بیان می شود. نگه کرد سستلطان عالی محل خودش در بلا دید و خر در وحل ببخشود بر حال مسکین مرد فرو خورد خشم سخنهای سرد زرش داد و اسب و قبا پوستین چه نیکو بود مهر در وقت کین

		<p>سعدی از زبان پیرمرد هنگامی که به او گفته می شود عجیب از مرگ رستی و به پاداش رسیدی می گوید:</p> <p>اگر من بنالیدم از درد خویش وی انعام فرمود در خورد خویش</p> <p>بدی را بدی سهل باشد جزا اگر مردی احسن الی من اسا</p> <p>(Saadi,2013,93)</p>
<p>۶۸- تواضع و نداشتن خود بینی</p> <p>۶۹- رهایی از تکبر</p> <p>۷۰- تکبر سبب دوری از خدا</p>	<p>سعدی، غرور نفس و خودبینی را با تواضع در تضاد می بیند و آن را آفت خدابینی می داند. دعوی و پندار را باید کنار گذاشت و از ادعا و شهرت طلبی دوری جست تا از تکبر و خود بینی خلاصی یابی (Yusefi,2014,26).</p>	<p>باب چهارم بوستان به بحث " تواضع " اختصاص دارد. در یکی از این حکایت ها می خوانیم که، بایزید بسطامی سحرگاه عید فطر به حمام رفته بود برای شستن تن و پاک کردن جانش. از گرمابه که خارج شد ناگهان به خطا طشت خاکستری را بر سرش خالی کردند. به جای این که خشمگین شود خدا را شکر می کرد و می گفت که من سزاوار آتش دوزخم، پس چرا از این که فقط خاکستری نصیبم شده است از جا در بروم.</p> <p>که ای نفس من در خور آتشم به خاکستری روی درهم کشم؟</p> <p>تواضع سر رفعت افرازدت تکبر به خاک اندر اندازدت</p> <p>به گردن فتد سرکش تندخوی بلندیت باید بلندی مجوی</p> <p>(Saadi,2013,116)</p>
<p>۷۱- نرم خوئی</p> <p>۷۲- شیرین زبانی و</p>	<p>سعدی بیان می کند که همانا با زبان خوش و شیرین می توان به مقصود مورد نظر</p>	<p>سعدی در حکایت توبه کردن ملک زاده گنجه، بیان می کند که با نرمی و عطوفت</p>

<p>خوش بیانی</p> <p>۷۳- پرهیز از تند زبانی و درشتی کردن</p>	<p>رسید و پیروز شد، اما تند مزاجی که همیشه تلخ کامی می کند، مرارت می بیند (KhatibRahbar,1992,475).</p>	<p>به جای خشم و خصومت بر افرادی که رفتار نادرست دارند می توان رفتار بد آنان را اصلاح کرد و در این زمینه توصیه می کند که:</p> <p>به نرمی ز دشمن توان کرد دوست چو با دوست سختی کنی دشمن اوست</p> <p>به گفتن درشتی مکن با امیر چو بینی که سختی کند، سست گیر</p> <p>به اخلاق با هر که بینی بساز اگر زیر دست است و گر سرفراز</p> <p>که این گردن از نازکی بر کشد به گفتار خوش و آن سر اندر کشد</p> <p>به شیرین زبانی توان برد گوی که پیوسته تلخی برد تند روی</p> <p>(Saadi,2013,120)</p>
<p>۷۴- تواضع و نیک مردی با نادانان</p> <p>۷۵- تحمل بدی افراد نادان</p> <p>۷۶- واکنش از روی عقل</p>	<p>سعدی در این حکایت از تواضع نیک مردان سخن به میان آورده است. فرزانه ای حق پرست، قفای رند مست را تحمل می کند و واکنش در مقابل رند را زینده انسان عاقل نمی داند (Yusefi,2014,24).</p>	<p>سعدی در باب چهارم با آوردن حکایتی در باره کتک خوردن هوشیار از مست و چگونگی برخورد هوشیار با آن نیز به توصیه هایی در خصوص کنترل خشم اشاره می کند.</p> <p>درد مست نادان گریبان مرد که با شیر جنگی سگالد نبرد</p> <p>ز هشیار عاقل نزیید که دست ز نند در گریبان نادان مست</p> <p>(Saadi,2013,123)</p>

<p>۷۷- چشم پوشی از بعضی خشم ها با توجه به عزت و کرامت انسانی</p>	<p>درست است که تواضع در بوستان مقام و اهمیتی خاص دارد اما حیثیت انسان نیز محفوظ است و محترم (Yusefi,2014,26).</p>	<p>سعدی در بوستان، از صحرانشینی سخن می گوید که اگر چه پای او را گزیده بود حاضر نبود زبونی ورزد و از کام و دندان خود دریغش می آمد و می گفت:</p> <p>محال است اگر تیغ بر سر خورم که دندان به پای سگ اندر برم</p> <p>توان کرد با ناکسان بدرگی ولیکن نیاید ز مردم سگی</p> <p>(Saadi,2013,124)</p>
<p>۷۸- محبت کردن به افراد</p> <p>۷۹- صبر و حلم داشتن</p> <p>۸۰- جوانمردانه رفتار کردن</p> <p>۸۱- همراهی و تساهل در خشم</p> <p>۸۲- تواضع داشتن</p> <p>۸۳- بردباری و تحمل</p>	<p>بوستان سرشار از مضامین عواطف انسانی، همدلی و محبت است. در هر گوشه بوستان اشخاصی بزرگوار و جوانمرد وجود دارند به مانند معروف کرخی. سعدی شیوه مردمی و گذشت و جوانمردی را دوست می دارد و در جهان بوستان عرضه می کند. این سرمشق ها در دل هر کس که در بوستان سیر کند، اثر می نهد از آن گونه که بدین مردم شریف و آزاده تشبیه جوید و در طریق آدمیت گام بردارد. در نظر سعدی، حشمت و بزرگی به حلم است و خویشتن داری و تحمل نه تکبر و خود خواهی (Yusefi,2014,23-24).</p>	<p>سعدی در حکایت معروف کرخی و مسافر رنجور نیز چگونگی کنترل خشم را بیان می کند. در این حکایت کرخی از مسافر بیمار به خوبی و تنهایی مراقبت می کند و این در صورتی هست که مرد بیمار وقتی یک لحظه کرخی را در حال استراحت و خواب و عدم مراقبت خود می بیند، شروع به صحبت های ناسزا و لعنت می کند و یک نفر این صحبت ها را به کرخی متذکر می شود و کرخی را ترغیب به این می کند که جواب بیمار رو به بدی بدهد و دیگر از او مراقبت و پرستاری نکند اما معروف کرخی در جواب آن فرد چنین می گوید:</p> <p>گر از ناخوشی کرد بر من خروش مرا ناخوش از وی خوش آمد به گوش</p> <p>جفای چنین کس نباید شنود که نتواند از بی قراری غنود</p> <p>چو خود را قوی حال بینی و خوش به شکرانه بار ضعیفان بکش</p> <p>و گسر پرورانی درخت کرم</p>

		<p>بر نیک نامی خوری لاجرم</p> <p>به دولت کسانی سر افراختند که تاج تکبر بینداختند</p> <p>تکبر کند مرد حشمت پرست نداند که حشمت به حلم اندرست</p> <p>(Saadi,2013,124)</p>
<p>۸۴- غنیمت دانستن نظرات افراد عیب جو</p> <p>۸۵- دانستن عیوب سبب خودسازی</p> <p>۸۶- گذشت و سعه صدر داشتن</p>	<p>سعدی با وسعت نظر عارفانه، عیب جویی دیگران را غنیمتی برای خود می داند زیرا معتقد است که انسان عیب های پنهانی زیادی دارد که به چشم خلق نمی آیند. تنها خداوند عیب دان است که از این عیوب پنهانی با خبر است. از نظر سعدی مردان طریقت خود را این گونه آماج تیر بلا قرار می دادند تا با رفع عیوب و کاستی های خود گامی محکم تر در مسیر خودسازی بردارند (Yusefi,2014,127).</p> <p>نکته ای که سعدی در حکایت سفاهت ناهلان آن را نشان می دهد فضیلت گذشت و سعه صدر بزرگان است (Dashti,2002,297).</p>	<p>سعدی در حکایت سفاهت ناهلان، از فردی صحبت می کند که برای رفع نیاز به صاحب دلی رجوع می کند و چون صاحب دل در آن زمان دستش تهی است نمی تواند به وی کمک کند و آن فرد ناراحت و نگوهرش کنان از پیش صاحب دل میرود، و در راه کسی او را می بیند که در حال سرزنش صاحب دل است و خبر را به صاحب دل می دهد و صاحب دل در جواب چنین می گوید:</p> <p>بخندید صاحب دل نیک خوی که سهل است از این صعب تر گو بگوی</p> <p>هنوز آنچه گفت از بدم اندکی است آنها که من دانم این صد یکی است</p> <p>ز روی گمان بر من اینها که بست من از خود یقین می شمام که هست</p> <p>ندیدم چنین نیک پندار کس که پنداشت عیب من این است و بس</p> <p>گرم عیب گوید بد اندیش من بیا گو ببر نسخه از پیش من</p> <p>زبون باش تا پوستینت درند</p>

		<p>که صاحب‌دلان بار شوخان برند</p> <p>(Saadi,2013,126)</p>
<p>۸۷- نیکی با تلخ گوی</p> <p>۸۸- مردم دوستی</p> <p>۸۹- شفقت با مردم</p> <p>۹۰- بخشیدن و نیاززدن افراد تلخ گوی</p>	<p>سعدی سیره خلفای راشدین را می پسندید. در جهان او رفتار کسانی مانند ملک صالح مطلوب است که با دو درویش بینوای تلخ گوی نیکویی کرد و شفقت و بر آنان بیخشود و نیاززدشان (Yusefi,2014,22).</p> <p>سعدی مردم دوستی و خدمت به خلق خدای را با لطیفه ای دیگر که مستلزم معرفت آدمی به خدای بزرگ است، قرین می‌سازد. همین معناست که در واقع مردم دوستی را با خداپرستی ارتباط می‌دهد (UNESCO,1994,246).</p>	<p>بی گمان لازمه و شرط اولیه هرگونه مدارا و تساهل برخورداری از روحیه تواضع و عاری بودن از تکبر است. مادام که آدمی نتواند از حصار تنگ خودپسندی و خودمحوری خارج شود و خویشتن را از دام عجب و کبر برهاند، بالطبع، تحمل اندیشه و رفتار دیگران برای وی میسر نخواهد.</p> <p>سعدی دریکی از حکایات هایش، از ملک صالح و غلامش که هر دوه صورت ناشناس در بازار می گردند و از احوال مردم خبر می گیرند و دو درویش فقیر را می بینند که دارند با هم صحبت می کنند و از بی خبری و خوش گذرانی شاهان می گویند. فردا روز شاه آنان را به نزد خود می خواند و آنان را احترام و تکریم می کنند و وقتی علت را از شاه جویا می شوند شاه می گوید:</p> <p>شهنشه ز شادی چو گل بر شکفت بخندید در روی درویش و گفت</p> <p>من آن کس نیم کز غرور حشم ز بیچارگان روی درهم کشم</p> <p>تو هم با من از سر بنه خوی زشت که ناسازگاری کنی در بهشت</p> <p>من امروز کردم در صلح باز تو فردا مکن در به رویم فراز</p> <p>(Saadi,2013,127)</p>

<p>۹۱- نرمی در گفتار</p> <p>۹۲- تواضع نشان دادن در هنگام ظهور خشم</p> <p>۹۳- شیرین زبانی</p> <p>۹۴- نرمی در برابر خصم</p>	<p>خصایص روحی و اخلاقی سعدی تواضع بی حد و فروتنی بی حصر اوست (نشاط، ۸۹: ۱۳۵۱). سعدی بیان می‌کند که همانا با زبان خوش و شیرین می‌توان به مقصود مورد نظر رسید و پیروز شد، اما تند مزاجی که همیشه تلخ کامی می‌کند مرارت می‌بیند. (KhatibRahbar, 1992, 475)</p> <p>سعدی حتی تندی در برابر خصم را هم نمی‌پسندد)</p> <p>Nadoushan&amp;AsgariRabari, 2008, 19).</p>	<p>شیخ رحمه الله در بوستان، داستانی از خشم گرفتن ملک بر بنده ای یاد می‌کند که به دستور شاه قرار است کشته شود و هنگام سر زدن بنده توسط شمشیر زن، بنده شروع می‌کند به گفتن خوبی در حق شاه، و شاه با شنیدن سخنانش از خشم خود دست می‌کشد و او را می‌بخشد.</p> <p>غرض زین حدیث آن که گفتار نرم چو آب است بر آتش مرد گرم</p> <p>تواضع کن ای دوست با خصم تند که نرمی کند تیغ بُرنده کُند</p> <p>نبینی که در معرض تیغ و تیر بپوشند خفتان صد تو حریر</p> <p>(Saadi, 2013, 129)</p>
<p>۹۵- مهرورزی</p> <p>۹۶- از خود گذشتگی و ایثار</p>	<p>در سراسر بوستان عشق پرتوافکن است و موجب تلطیف روح و زندگی. عشقی به معنی عالی و عارفانه. از خود گذشتن و به دوست پیوستن چنان که با وجود محبوب از هستی محب اثری نماند (Yusefi, 2014, 28).</p>	<p>سعدی در حکایت در معنی احتمال از دشمن از بهر دوست، از جفای زیبا رویی می‌گوید که گرفتار عشق او شده است و کسی وی را سرزنش می‌کند و می‌گوید: مردم پست، خویشتن را مسخره و خوار و زبون می‌کنند. و به او پیشنهاد می‌دهد که در جفا و خطای زیبا رو شایسته نیست که او را بخشید. سعدی در ادامه حکایت در جواب فرد سرزنش گر می‌گوید:</p> <p>دلّم خانه مهر یارست و بس از آن می‌نگنجد در آن کین کس</p> <p>(Saadi, 2013, 131)</p>
<p>۹۷- انتقاد پذیری</p> <p>۹۸- تفکر در سخنان</p>	<p>سعدی به انتقاد پذیری و توجه به انتقاد سازنده سفارش می‌کند که اگر دشمن سخنی گفت که برای تو سنگین آمد، ژرف</p>	<p>به اعتقاد سعدی باید از انتقاد کننده تشکر کرد زیرا عیب های تو را برای تو روشن کرده است. سعدی در حکایت صبر مردان</p>



<p>افراد عیب جو ۹۹- تلاش در جهت رفع عیوب</p>	<p>بیندیش که تو را به چه عیبی نکوهش و سرزنش کرد؛ سپس در رفع آن رفتار نکوهیده تلاش کن (KhatibRahbar,1992,534).</p>	<p>بر جفا، به توصیه هایی در خصوص این که انسان می باید خود را همچنان که هست بشناسد، به نقاط ضعف و قوت خود پی ببرد و در برابر بد گویی ها نیز باید انتقاد پذیر باشد می پردازد.</p> <p>گر آنی که دشمنت گوید، مرنج و گر نیستی، گو برو باد سنج چو دشوار آمد ز دشمن سخن نگر تا چه عیبت گرفت آن مکن جز آن کس ندانم نکو گوی من که روشن کند بر من آهوی من (Saadi,2013,133)</p>
<p>۱۰۰-گذشت و جوانمردی ۱۰۱- انصاف و تواضع</p>	<p>بوستان لبریز از مطالب است ولی بعضی ابواب آن به طور خاصی جذاب و فتان است. فصل چهارم در "فضیلت تواضع" است؛ اما تنها در فضیلت تواضع نیست، در انصاف، گذشت و جوانمردی تمثیل های ارزنده ای دارد که گاهی دستورهای حضرت مسیح را به یاد انسان می آورد (Dashti,2002,290).</p>	<p>فضایل در بوستان گاهی برای ذات خود ستودنی است، زیرا زیبایست و زیبایی، زبان سعدی را به سرودن می گشاید و گاهی از لحاظ اثر وضعی و بی چون و چرایی که بر آن مترتب است. در بوستان گاهی تواضع و گذشت به صورت عملی پسندیده از روح کریمی سر می زند؛ مانند حکایت مستی که بربط را بر سر پارسایی شکست (Dashti,2002,291).</p> <p>یکی بربطی در بغل داشت مست به شب در، سر پارسایی شکست چو روز آمد آن نیکمرد سلیم بر سنگدل برد یک مشت سیم که دوشینه معذور بودی و مست تورا و مرا بربط و سر شکست مرا په شد آن زخم و برخاست بیم تو</p>

		<p>را به نخواهد شد آلا به سیم</p> <p>(Saadi,2013,132)</p>
<p>۱۰۲- تواضع داشتن و عذر خواستن در هنگام خطا</p> <p>۱۰۳- بخشیدن افراد خطاکار به امید بخشش خطاها از سوی خداوند</p> <p>۱۰۴- ترس از خدا</p> <p>۱۰۵- مهربانی با بندگان خداوند</p>	<p>نیکی و بخشش از جمله مواردی است که از دیدگاه سعدی مورد عنایت واقع شده است. سعدی شیرازی ذکر می کند که به پاس این که خداوند به تو جایگاه عزا کرده و از خزانه غیب بر تو بخشیده است، تو با بندگان خداوند به مهربانی رفتار کن و بخشنده باش (خطیب رهبر، ۱۳۷۱: ۶۳).</p> <p>خودبینان و خودپرستان در بوستان سعدی قدر و اعتباری ندارند، بلکه همه سخن از فروتنی است و ترک رعونت. اساس عالم مطلوب سعدی عدالت است و دادگستری، یا به تعبیر او "نگهبانی خلق و ترس خدای" (Yusefi,2014,20-25).</p>	<p>در آثار سعدی تواضع گاهی به شکل گذشت، بردباری و شرح صدر جلوه می کند. در باب چهارم بوستان داستان گدایی آمده است که عمر خلیفه اسلامی پای بر پشت پای او گذاشت و گدا به عمر پرخاش کرد. عمر با تواضع عذر خواهی و تقاضای بخشودن کرد. تواضع در بوستان، مقام و اهمیتی خاص دارد و سعدی مدام به آن توصیه می کند.</p> <p>فروتن بود هوشمند گزین نهد شاخ پُر میوه سر بر زمین</p> <p>بنازند فردا تواضع کُنان نگون از خجالت سر گرد نان</p> <p>سعدی در انتهای همین حکایت، افراد جامعه را به ترس از ستم به ضعیفان و زبردستان فرا می خواند.</p> <p>اگر می بترسی ز روز شمار از آن کز تو ترسد خطا در گزار</p> <p>(Saadi,2013,134)</p>
<p>۱۰۶- خاموشی و سخن گزاف و بیهوده نگفتن</p>	<p>از دیدگاه سعدی شیرازی، گفتار درشت و ناپهنجار را باید به وسیله سکوت در برابر طرف مقابل خاموش کرد. سعدی آن را بدین گونه بیان می کند که آیا نمی دانی که سوزان ترین آتش، گفتار درشت و ناپهنجار است، ولی می توان آن را در دم به آب خاموشی فرو نشاند</p> <p>(KhatibRahbar,1992,639)</p>	<p>در آرمان شهر سعدی، سنجیده گوئی دارای قدر و منزلت است. اصولاً سخن سنجیده سخنی است که از سر اندیشه برآید و باعث ارجمندی متکلم گردد.</p> <p>یکی ناسزا گفت در وقت جنگ گریبان دریدند وی را به چنگ</p> <p>قفا خُسورده گریبان و عریان نشست</p>

		<p>جهان‌دیده‌ای گفتش ای خودپرست</p> <p>چُو غنچه گرت بسته بودی دهن دریده ندیدی چُو گل پیرهن</p> <p>سراسیمه گوید سخن بر گزاف چُو طنبور بی مغز بسیار لاف</p> <p>نسبینی که آتش زبان است و بس به آبی توان کشتنش در نفس؟</p> <p>(Saadi,2013,155)</p>
<p>۱۰۷- پرهیز از تنش های آشتی ناپذیر</p> <p>۱۰۸- پرهیز از برخوردهای بیهوده</p> <p>۱۰۹- شایسته سخن گفتن</p> <p>۱۱۰- حفظ آداب زبان</p>	<p>نزد سعدی، معرفت آن است که مناسک آداب را به خوبی بشناسی و از خاطره قومی کتابی بگشایی تا همه از آن منتفع شوند؛ نکته سنجی آن است که کلام شایسته را در زمان مناسب بگویی، از تنش های آشتی ناپذیر و برخوردهای بیهوده بپرهیزی. سعدی از تربیت و پرورش سخن می گوید. به آداب صحبت و نیکو سخن گفتن می پردازد و در باب خاموشی و حفظ زبان اندرزها می دهد(Shayegan,2013,81).</p>	<p>در حکایتی سعدی نقل می کند که: مریدی د ف و چنگ مطربان را می شکند و سخت مورد آزار و اذیت آنان قرار می گیرد، پیرش به او می گوید: اگر توقع آسایش داری، با مردم کار نداشته باش.</p> <p>نخواهی که باشی چو د ف روی ریش چو چنگ، ای برادر، سر انداز پیش</p> <p>سعدی در همین زمینه باز از فردی سخن می گوید که در فتنه ای میانجی شد و سرش شکست، و نتیجه می گیرد که به تو عقل و هوش داده اند که در امور نامربوط دخالت نکنی.</p> <p>تو را دیده در سر نهادند و گوش دهان جای گفتار و دل جای هوش</p> <p>مگر بازدانی نشیب از فراز نگویی که این کوتاه است آن دراز</p> <p>(Saadi,2013,156)</p>
<p>۱۱۱- رعایت آداب صحبت(خبرچینی</p>	<p>سعدی، سخن چینی را امری زشت و ناپسند می داند و درخواست می کند که تا</p>	<p>از دیدگاه سعدی، دوست نادان که بدگویی هایی دیگر دوستانمان را برای ما باز گو می</p>

<p>نکردن) ۱۱۲- دوری از هم نشینی با سخن چین</p>	<p>جایی که می توانی با سخن چین هم نشینی نکن، زیرا دشمنی های فراموش شده را بر می انگیزد (KhatibRahbar,1992,666).</p>	<p>کنند هم ما را رنج می دهند و هم تخم کین را می کارند و در نتیجه وسیله صلح و آشتی و صفا را از بین می برند. سُخَن چین کند تازه جنگ قدیم به خشم آورد نیکمرد سلیم از آن همنشین تا توانی گریز که مر فتنه خفته را گفت خیز میان دو تن جنگ چون آتش است سخن چین بدبخت هیزم کش است (Saadi,2013,162)</p>
<p>۱۱۳- گذشت از اشتباهات دیگران ۱۱۴- نیکی در برابر خطاهای دیگران ۱۱۵- نکویی با بدان</p>	<p>نکته مهم دیگری که چهره جوانمرد را در سعدی روشن می سازد، گذشت از اشتباهات دیگران است اصلی که برای جوانمردان اهمیت بالایی دارد و بارها به آن توصیه شده است ( Shafiei (Kadkani,2007,150-157). هرچند سعدی «نکویی با بدان کردن» را به مثابه‌ی «بد کردن به جای نیک مردان» می داند و با آنکه معتقد است: «ترحم بر پلنگ تیز دندان / ستم کاری بود بر گوسفندان»؛ ولی در تحلیل نهایی و در اعماق قلب خود به جامعه‌هایی و درست‌تر به انسان‌هایی آرمانی؛ یعنی به «نیک مردان پارسا» بی می‌اندیشد که حتی بر دشمنان خود می‌بخشایند و به اصطلاح شاعر حتی « دل دشمنان را هم تنگ» نمی‌خواهند (Torabi,1997,145).</p>	<p>یکی کرد بر پارسایی گذر به صورت جهود آمدش در نظر قفایی فرو کوفت بر گردنش ببخشید درویش پیراهنش خجل گفت کانچ از من آمد خطاست ببخشای بر من، چه جای عطاست؟ به شکرانه گفتا به سر بیستم که آنم که پنداشتی نیستم (Saadi,2013,176)</p>

جدول ۲- مفاهیم هم دسته شده مربوط به بررسی مدیریت خشم از دیدگاه سعدی

مفهوم جایگزین شده	کد مفاهیم هم دسته شده		ردیف
اصل بین برداری	تعقل و تأمل در عمل	۱- تأمل وعدم تعجیل در هنگام خشم ۷- خرد را نگه داشتن و عقلانی عمل کردن در خشم ۷۶- واکنش از روی عقل ۱۱۲- دوری از هم نشینی با سخن چین ۲- گوش ندادن به سخن مغرضان ۱۲- شناخت دوست از دشمن	۱
	رعایت آداب سخن	۹۱- نرمی در گفتار ۱۰۶- خاموشی و سخن گزاف و بیپوده نگفتن ۱۰۹- شایسته سخن گفتن ۱۱۰- حفظ آداب زبان ۱۱۱- رعایت آداب صحبت (خبرچینی نکردن)	۲
	مصلحت اندیشی	۴۶- جنگ نکردن با افراد قوی تر از خود ۴۹- پذیرفتن جنگ هنگام پافشاری دشمن بر جنگ ۵۰- غافل نبودن از حيله دشمن ۶۶- مهربانی با همه کس به جز ظالم ۷۷- چشم پوشی از بعضی خشم ها با توجه به عزت و کرامت انسانی	۳
	عاقبت اندیشی	۳- توجه به عاقبت خشم گرفتن ۱۴- ترس از عقوبت خداوند ۱۵- فکر کردن به عقوبت ظلم ۲۰- ترس از آه مظلوم ۲۵- ترس از خشم و قهر خداوند ۴۱- با تدبیر عمل کردن در هنگام خشم بر دشمن	۴
اصل فروتنانه	تواضع داشتن	۱۶- کنار گذاشتن غرور و کبر ۶۸- تواضع و نداشتن خود بینی ۷۰- تکبر سبب دوری از خدا ۱۰۲- تواضع داشتن و عذر خواستن در هنگام خطا ۳۵- پذیرش سخنان درست و حق	۵

	انتقاد پذیر بودن	۲۶- پذیرفتن عیوب خود ۲۷- انتقاد پذیری ۲۹- ترک عیوب و نواقص خود ۳۰- اندیشه کردن در عیوب خود ۸۴- غنیمت دانستن نظرات افراد عیب جو ۸۵- دانستن عیوب سبب خودسازی	۶
اصل خودآزمودانه	نکویی با بدان	۳۸- مدارا با دشمن ۵۷- احسان و لطف با دشمن ۱۱۵- نکویی با بدان	۷
	ایثار و گذشت	۴۷- جنگ نکردن و مروت با افراد ضعیف تر از خود در جنگ ۵۲- نکشتن دشمن و اسیران جنگی ۵۹- ایثار و گذشت ۱۱۳- گذشت از اشتباهات دیگران	۸
	داشتن انصاف	۸- پرهیز از عقوبت سخت دادن در خشم ۳۷- داشتن انصاف ۳۶- نرنجاندن افراد به خاطر شنیدن سخن حق	۹
	همدلی کردن	۶- همدلی با افراد خشمگین ۹- همدردی با افراد خشمگین ۱۹- حمایت از مظلوم	۱۰
اصل آسان گیری	تحمل و بردباری	۴- تحمل و صبوری در هنگام خشم ۵- خویشتن دار بودن در خشم ۸۶- سعه صدر داشتن	۱۱
	نوع دوستی	۱۱- محبت کردن به افراد ۸۸- مردم دوستی ۹۵- مهرورزی ۱۰۵- مهربانی با بندگان خداوند	۱۲
	بخشش	۲۱- بخشیدن افراد گناهکار و از گناه شان چشم پوشی کردن ۲۲- بخشیدن به امید بخشایش پروردگار ۶۷- بخشیدن اشتباه افراد	۱۳
	مدارا	۲۳- مدارا و تساهل در خشم ۶۴- مدارا و نرمی	۱۴

	صلح طلبی	۳۹- صلح اندیش بودن ۴۰- جنگ آخرین راه حل ۴۵- کوشش در جهت صلح ۴۸- پذیرفتن صلح در هنگام تقاضای صلح دشمن ۳۳- پرهیز از ظلم و ستم کردن ۱۰۷- پرهیز از تنش های آشتی ناپذیر	۱۵
	نرم خویی	۵۵- پرهیز از پرخاشگری ۶۵- رأفت با دوستان و دشمنان ۷۱- نرم خویی ۷۲- شیرین زبانی و خوش بیانی ۸۹- شفقت با مردم ۹۱- نرمی در گفتار	۱۶

یافته های به دست آمده از تحلیل مفهوم مدیریت خشم در بوستان، استخراج دلالت های تربیتی (اصول و روش های مربوط به آن) را سبب می شود که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

اصول و روش های مدیریت خشم در بوستان سعدی			
اصل آسان گیری	اصل جوانمردانه	اصل فروتنانه	اصل نیک نگرانه
<b>روش</b> * تحمل و بردباری * نوع دوستی * بخشش * مدارا * صلح طلبی * نرم خویی	<b>روش</b> * نکویی با بدان * ایثار و گذشت * داشتن انصاف * همدلی کردن	<b>روش</b> * تواضع داشتن * انتقاد پذیر بودن	<b>روش</b> * تعقل در عمل * رعایت آداب سخن * مصلحت اندیشی * عاقبت اندیشی

### بحث و نتیجه گیری

آنچه در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت مفهوم مدیریت خشم از دیدگاه اخلاقی - تربیتی سعدی است و در نهایت ارائه دلالت های تربیتی برای مدیران آموزشی است که با توجه به این دیدگاه احصاء و بیان می گردد.

شیخ مصلح الدین سعدی شیرازی، از برجسته ترین نویسندگان و شاعران تعلیمی است. این نوع ادبیات سعادت انسان را در بهبود منش اخلاقی او می داند و سعی در پرورش قوای روح

و تعلیم اخلاق دارد. سعدی شاعری است که تعلیم اخلاق می‌دهد و عواطف بیان شده در حکایت‌هایش ناظر بر مسائل اخلاقی هستند. او نیروهای عاطفی را در ایجاد فضیلت و رذیلت اخلاق دخیل می‌دانسته است و به این علت سعی در هدایت آن‌ها به سمت مسیرهای اخلاقی داشته است. سعدی داشتن اخلاق و عاطفه را از امتیازات انسان می‌داند و برای حل مشکلات جوامع بشری ناشی از خشونت؛ بر پرورش فضائل اخلاقی و عواطف عالی انسانی تاکید دارد. مهم‌ترین شاخصه‌ی سعدی برای پرداختن به مفهوم خشم و مدیریت آن «پرورش عواطف عالی‌ی انسانی» و «تربیت اخلاقی» است.

با توجه به تحلیل ابیاتی که «مدیریت خشم» در متن آن‌ها به کاررفته بود مشخص شد که نصایح وی در خصوص کنترل این هیجان شامل چهار اصل است که این اصول و روش‌های مربوط به آن در ضمن بیان دلالت‌های برای مدیران آموزشی تشریح خواهد شد. اصول مدیریت خشم از دیدگاه سعدی شامل (مهارت‌های درون فردی) و (مهارت‌های برون فردی) می‌شوند. مفاهیم همدردی، نوع دوستی، مهرورزی او در بوستان دال بر آموزش مهارت‌های اجتماعی (برون فردی) و ارتباط با دیگران است و توصیه‌هایش بر خصایل فردی همچون صبر، تواضع، خردورزی و اعتدال در عمل گواهی بر آموزش مهارت‌های خود مدیریتی (درون فردی) که هر دو مؤلفه‌هایی ضروری برای به دست آوردن توانایی در مدیریت خشم است.

اصل نیک‌نگری و روش‌های تعقل در عمل، رعایت آداب سخن، مصلحت‌اندیشی و عاقبت‌نگری از ضرورت‌های بحث‌های مدیریت است. استفاده از نیروی خرد و تعقل در جنبه‌های زندگی کاربرد فراوانی دارد و مدیران عاقل قادر به پرورش خلاقیت کارکنان و تحکیم روابط انسانی و پیشبرد امور می‌باشند (Wales, 1991, 17). در خصوص عاقبت‌نگری و مصلحت‌اندیشی می‌توان گفت این اصل از آینده‌نگری سرچشمه می‌گیرد و لازمه هر نوع مدیریت استراتژی آن است که حال نگر نباشیم و در مسایل روزمره غرق نشویم، بلکه به آینده و نتیجه هم توجه داشته باشیم (Governmental Management, 1991, 3). سعدی برای رعایت آداب سخن در کنترل خشم بر خاموشی، سخن‌گزار و بی‌پهوده‌نگفتن، شایسته سخن‌گفتن و خبرچینی نکردن تاکید دارد و دلالت سخن سعدی برای مدیران آموزشی حفظ زبان و جلوگیری از سخنان تند و خبرچینی و استفاده از زبان نرم، محبت‌آمیز و دوستانه است. سخن‌گفتن باید متین و معقول باشد چرا که "بی‌تامل جواب دادن از صفات منفی مدیران شمرده شده است" (Safi, 1999, 37).

سعدی آرمان‌های اخلاقی و انسانی خود را در بوستان در ابواب ده‌گانه، در ده صفت بارز و بسنبدیده‌ی اخلاقی که رعایت آن‌ها راه رشد و تکامل معنوی بشریت است، یادآور شده است



که یکی از این ابواب تواضع است و اختصاص یک باب از بوستان به این موضوع خود گواه اهمیت از آن است. خودبینان و خودپرستان در بوستان سعدی قدر و اعتباری ندارند و همه سخن از فروتنی است و ترک رعونت. از نظر سعدی تواضع با کنار گذاشتن غرور، انتقاد پذیری، پذیرش سخنان درست و حق، پذیرفتن عیوب خود، ترک عیوب و نواقص خود، اندیشه کردن در عیوب خود و غنیمت دانستن نظرات افراد عیب جو ایجاد خواهد شد.

اصل فروتنانه و دو روش تواضع داشتن و انتقاد پذیری از ویژگی هایی است که مدیران آموزشی باید اخلاق فردی خود را به آن مزین کرده و با الگو قرار دادن رفتار خود سعی در پرورش این روحیه در دیگر افراد سازمان داشته باشند. این اصل و روش های آن برای پیشگیری از رویداد خشم و ایجاد ارتباط دوستانه در موسسات آموزشی و ارتباط بین معلمین و کارکنان موثر است و در این شرایط است که کارکنان می توانند پیشنهادها و انتقادات سازنده را برای پیشرفت و حل مشکلات در اختیار مدیران آموزش قرار دهند.

بوستان سعدی در انصاف و گذشت تمثیل های ارزنده ای دارد. مدیریت خشم مطابق با اصل جوانمردانه از دیدگاه سعدی شامل روش های نکویی با بدان، ایثار و گذشت، داشتن انصاف و همدلی می باشد. «با توجه به این که از اهداف آموزش و پرورش نوین ایران «تقویت روحیه گذشت، فداکاری و ایثار در روابط اجتماعی» است (Safi,2000,15) و مدیران آموزشی نقشی مهم در شکل دهی جو اخلاقی مدارس و سازمان خود دارند (Mirkamali,2003,210) لازم است مدیران آموزشی خود را متصف به چنین روحیات و خصوصیات اخلاقی کنند و با تنظیم جو همدلانه باعث ایجاد محیط اخلاقی در سازمان باشند.

از آسان گیری و مدارا در متون ادب فارسی به عنوان فضیلت انسانی توجه شده است. فضیلت آسان گیری در اشعار سعدی بسیار است و دعوت به نرم خویی و پرهیز از خشونت در نصایحش، انعکاسی از همین گرایش انسانی اوست. اندیشه آسانگرانه ی سعدی نتایج مهمی را برای مهار خودخواهی، خودبینی و ایجاد لطافت، رقت، رفع خشونت، سخاوت، بخشندگی و بهبود روابط انسانی به همراه دارد. برای مدیران سازمان آموزشی که رهبر آن سازمان هستند و باید خط مشی ها را تعیین کنند و قادر باشند آن ها را به وسیله همکاران یا زیردستان خود به اجرا در آورند، در نظر گرفتن روش های اصل آسان گیری از کارسازترین، بهترین و کم هزینه ترین راه های ممکن برای نفوذ در دیگران و تحت تأثیر قرار دادن آنان می باشد و همراه بودن این صفات اخلاقی در مدیران سبب می شود تا در افراد تمایل قلبی برای همکاری ایجاد شود و از این جهت مدیران می توانند با نفوذ بر قلب کارکنان، مؤثرترین نفوذ را در جهت پیشبرد اهداف و موفقیت سازمان خود داشته باشند" نفوذ اخلاقی یکی از

ویژگی‌های برجسته مدیران آموزشی است که باید در حفظ آن بکوشند" (Sergiovanni, 1991, 73).

### پیشنهادات

با توجه به نتایج به دست آمده این پژوهش، پیشنهادهای کاربردی به شرح زیر ارائه می‌گردد:

- بهره جستن از آموزه های اخلاقی - عاطفی سعدی در خصوص مدیریت عواطف بشری در جهت ارتقای شایستگی های اخلاقی مدیریت و به خصوص ارتقای شایستگی شخصیتی - رفتاری مدیران.

- تاکید بر اجرای جو اخلاقی در مدارس و سازمان های آموزشی به جای اجرای صرف قوانین آموزشی، افزایش بازده کاری و درصد قبولی.

- اهمیت به شأن و جایگاه عواطف، هیجانات و مدیریت آن در برنامه های درسی رسمی - از کارکردهای پنهان نقش تربیتی معلمان و مدیران مدرسه نقش الگودهی آنان است با توجه به این امر طراحی و اجرای دوره های ضمن خدمت ویژه مدیران جهت دانش و مهارت افزایشی در زمینه مدیریت عواطف به صورت عام و مدیریت خشم به صورت خاص و آشنا ساختن آنان با راه های رشد و پرورش عواطف عالیه انسانی باید در الویت قرار گیرد.

- به رسمیت شناختن جایگاه ارزشمند آثار تعلیمی - اخلاقی بزرگان کشورمان در جهت رشد و پرورش ابعاد عاطفی و اخلاقی در تمامی مراکز آموزشی و مدارس.

- اهمیت دادن به مدیریت عواطف (هوش هیجانی) در انتخاب و بهبود عملکرد مدیران آموزشی، به دلیل پیش بین بودن این مؤلفه برای موفقیت در مدیریت و رهبری.

- وارد کردن آموزش مهارت های کنترل و ارزیابی هیجانات در برنامه آموزشی توسط مدیران جهت ارتقای سطح مدیریت هیجان ها و برقراری ارتباطات مؤثرتر در دانش آموزان.

## References

- American psychological Association (2004), Controlling anger-before it controls you.<http://www.google.com>.
- Anil, H. (2004). Control and Controlling Anger, by Akbar Farshidnezhad, Sina Hakiman (Trans). Isfahan: Farhang-e-Mardom.(in Persian)
- Bagheri, Khosrow et al. (2010). Approaches and research methods in the philosophy of education. Tehran. Research Institute. (in Persian)
- Bazargan, Z. Goodarzi, M.A (2000). Investigation of Traumatic Factors in Schools of Tehran. Journal of Psychology and Education Sciences Vol.2, No. 5. (in Persian).
- Bazargan, Z. Sadeghi, N. & Gholamali Lavasani, M (2003). Surveying the Situation of Verbal Violence in Tehran's Secondary Schools: Comparing Students 'and Teachers' Views. Psychology and Education Sciences. No. 1. Pp: 1-28. (in Persian)
- Blum, P.(2005). A teachers guide to anger management. New York: RoutledgeFalmer.
- Dadbeh, A (2013). Bustan as Utopia of Sa'adi. Center of Sa'adi Studies. Chapter eight. (in Persian).
- Dashti, Ali (2002). Sa'adi's realm. Tehran: Kayhan Publications. (in Persian)
- Foroughi, M.A.(2006). Sa'adi's Poem Collection. Baha'uddin Khorramshahi (Ed.), Tehran: Dustan Publication. (in Persian)
- Ghahari SH. Anger control skills 2010 [updated 2015; cited 2014]. Available from: <http://xn--mgba2akd1ibm.net/article11.html>. article.net. (in Persian)
- Gharaguzloo. M (2010). War and Peace from the perspective of Sa'adi, Center of Sa'adi Studies, chapter seven. (in Persian).
- Golman, D (2006). Emotional Intelligence, Translated by Nasrin Parsa, Tehran, Growth.
- Governmental Management (1991). New Volume, No. 14, Tehran: Government Education Management Center.
- Jokar,F.and Haghani,F. Nursing clinical education, the challenges facing. A Review Article. Iranian Journal of Medical Education, 2011. 10(5):1153-1160.(in Persian).
- Ketabi, A.(2011). Manifestation of tolerance in Sa'adi's Works, Journal of Political-Economic Magazine, No. 286. Pp. 164-187. (in Persian).
- Ketabi, A.(2015). Suppressive tyranny and oppression in the works of Sheikh Ajal Sa'adi, Journal of Political and Economic, No. 299, pp. 42-59. (in Persian).

- Khajepour, L.(2016). Analysis of the concept of emotional management in Sa'adi's thinking and its management solutions. PhD Thesis. Islamic Azad University, Khorasgan Branch. (in Persian)
- Khanian, H.(2012). Saadi's way of dealing with depression in Būstān and Golestan. Journal of Stylistics of Persian Poetry and Prose (Bahar Adab), No. 2, pp. 181-195. (in Persian).
- Khatib Rahbar, Khalil (1992). Būstān. Tehran: Safi Ali Shah Publication. (in Persian)
- Mass'e, H.(1985). An Investigation of Sa'adi. Gholam Hossein Yousefi (Trans.), Tehran, Tous Publication.
- Mirkamali, S. M.(2003). Ethics and Social Responsibility in Education Management, Journal of Psychology and Education Sciences, 33 (1), 201-221. (in Persian).
- Mohammadi, M . Khadem, A.(2017). The Use of Emotional Discourse in the Teaching Didactic Book: with an Emphasis on Sa'di's Gulistan, 5th Chapter, Research Journal of Education Literature, No. 30, pp. 91-120. (in Persian)
- Nadoushan, Mohammad Ali & Asgari Rabari, Fatemeh (2008). Saadi's passionate views to Ferdowsi's adventurous words. Bahar-e-Adab, first year, No. 2; pp. 10-34. (in Persian)
- Nasr Esfahani, A. Hossein Agha, H. (2011). Investigating constructive criticism from Sa'adi's point of view and comparing it with the Western scholars' viewpoints. Kavosh Nama Journal, 12<sup>th</sup> year, No. 22, pp. 9-30. (in Persian).
- Neshat, M.(1972). "Sa'adi is no self-conceited", Gohar Magazine No. 2, first year. (in Persian).
- Niazkar, F (2010). Sa'adi rationalism in justice and judgment. Sa'adi Studies, Chapter thirteen. Pp. 111-122. (in Persian).
- Nowroozi Davoodkhani, S.(2016). Study and analysis of Sa'adi's approach to human emancipation from pain and suffering by relying on Būstān. Journal of Education Literature, No. 60, pp. 153-170. (in Persian).
- Rahimi Bahmaniari, A.Gh (2014). Sa'adi's morality. Chavil Publication. (in Persian)
- Sa'adi of Shiraz, (2010). Būstān. Yousefi,Gh .H (Ed.). Tehran: Kharazmi Publication House. (in Persian)
- Sa'di, Muslih bin Abdullah (2006). Sa'adi's Poem Collection. Foroughi,M. A (Ed.), Third Edition, Tehran, Zavvar Publication. (in Persian)
- Safi, A (2000). Elementary, Secondary and High School Education, Tehran: SAMT. (in Persian)
- Safi, A.(1999). Organization and Administration of Schools, Tehran: Roshd. (in Persian)

- Samiee Gilani, A.(2009). Tolerance and mobility are two distinct attributes of Sa'adi. To the memory Kamal Sarvestani. Shiraz. Pp. 71-77. (in Persian).
- Sergiovanni, T.(1991).The principalship. 2nd ed. Boston: Ally and Bacon.
- Shafiei Kadkani, Mohammad Reza (2007). Ghalandaria in History. The first edition. Tehran: Sokhan Publication. (in Persian)
- Shayegan, D (2013). Sa'adi: the social language of the literature. Bukhara Magazine. Fifteenth Year. No. 98. p. 71-85. (in Persian).
- Shokouhi Yekta, M. Faghihi, A N. Zamani, N & Parand. A.(2009). Manage anger based on Islamic doctrines and modern psychology. Two Quarterly Journal of Islamic Studies and Psychology. Vol. 3. No. 5. (in Persian).
- Soltani, M. Sadeghi, T.(2011). Emotional imagery (anger and fear) in Sa'adi Būstān with emphasis on psychology. Journal of Stylistics of Persian Planning and Prose (Bahar Adab), No. 15, pp. 320-329. (in Persian).
- Torabi, A.Ak (1997). Sociology of Persian Literature. Tabriz Forough Azadi Publication. (in Persian)
- UNESCO, (1994). Sa'adi's Beauty, a collection of articles and poems for glorifying the eightieth anniversary of Sa'adi's birth, in three volumes, Volume III. Ministry of Culture and Islamic Guidance publication, fourth edition.
- Wales, K.(1991). Management and Leadership Training, by Mohammad Ali Tusi (Trans.). Tehran: Government Education Management Center.
- Yusefi, Gh. H.(2014). Saadi's Būstān. Tehran: Kharazmi Publications. (in Persian)

